

بازنگری ترجمه‌ای فارسی از قرآن مجید

مسعود قاسمی

ترجمه‌ای فارسی از قرآن مجید، به کوشش علی رواقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۶، ۶۹۸ صفحه.

در سال ۱۳۸۶، ترجمه‌ای فارسی از قرآن مجید، به تصحیح علی رواقی و به نفقه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، در ۶۹۸ صفحه به قطع رحلی، منتشر شد (صفحات ۲-۳۰۶ متن ترجمه فارسی کتاب، همراه با سوره‌های قرآن؛ صفحات ۳۰۹-۳۷۵ مقدمه و توضیحات مصحح و برخی از واژه‌های نادر کتاب و مقایسه آنها با عباراتی از ده متن چاپی و عکسی ترجمه‌های قرآن که این واژه‌ها در آنها به کار رفته و مربوط به حوزه ماوراءالنهر است و نمونه‌هایی از ترجمه آیاتی از ده متن قرآنی دیگر که در مناطق متعدد نگارش شده همچنین برخی از ویژگی‌های نوشتاری و زبانی این ترجمه؛ صفحات ۳۷۶-۶۴۹ فهرست کلمات و ترکیبات ترجمه با برابری‌های عربی آنها و عباراتی که این لغات و ترکیبات در آنها به کار رفته؛ صفحات ۶۵۰-۶۹۳ شامل فهرست کلمات عربی قرآن و معادل‌های فارسی آنها؛ و، در پایان، فهرست سوره‌های قرآن).

نسخه خطی این قرآن مترجم را نخستین بار محمد جعفر یا حقی در مجله مشکوة (ش ۱، سال ۱۳۶۱) معرفی کرد و برخی از ویژگی‌های دستوری و آوایی آن را، با برگزیده‌ای از واژه‌های کهن، و نقل ترجمه سوره عنکبوت، نشان داد. این نسخه در سال ۷۵۹ به قلم کاتبی به نام محمد بن محمد بن ابراهیم بن محمد، ملقب به نجم ثوری، کتابت شده و

به شماره ۱۰۸۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ است (← یاحقی، ص ۱۵۲؛ مقدمه رواقی، ص ۳۱۱). هرچند این نسخه در فرهنگنامه قرآنی نیز معرفی و نوادر لغات آن در این فرهنگنامه وارد شده، مصحح به آن اشاره نکرده و درباره مشخصات نسخه اطلاع چندانی به دست نداده و تصویری نمونه از آن نیاورده است. در این نسخه، ترجمه تحت‌اللفظی آیات بین‌السطرین درج شده و مترجم جای جای توضیحات و تفسیرگونه‌های کوتاهی در خلال آن آورده است. در نسخه چاپی، افتادگی‌ها، خط‌خوردگی‌ها، مکررنویسی‌ها، خطاهای کتابتی، و خطاهایی در ترجمه دیده می‌شود که نمی‌توان تشخیص داد از مترجم یا کاتب بوده و یا احیاناً و بعضاً از خوانش مصحح. پاره‌ای از خطاها نیز پیدا است که مطبعی است. نگارنده نکاتی را که درباره برخی از حدس‌ها و توضیحات و خوانش‌های مصحح و شبهات متن به نظرش رسید یادداشت کرد که، در این مقال، از لحاظ خوانندگان می‌گذرد. این نکات عمدتاً مربوط است به شانزده جزء اول ترجمه (تا سوره مریم) و چند مورد از سوره‌های دیگر، همچنین مقدمه و حواشی مصحح و فهرست‌هایی که در پایان کتاب درج شده است.

مقدمه

در مقدمه مصحح آمده است:

آنچه در برگه‌های آینده خواهید دیده، کاری تازه درباره سبک‌شناسی متون فارسی است که ما نام گونه‌شناسی را برای آن برگزیده‌ایم... این پژوهش نتیجه‌ی سنجش ترجمه‌ی قرآن ۱۰۸۹ با نه ترجمه و تفسیر و فرهنگ‌نامه قرآنی است. سالهای سال برای شکل‌گیری آن کوشیدیم و راههای گوناگون را برای سبک‌شناسی متون پیش رفتیم و آخر بدین نتیجه رسیدیم که برای شناخت ویژگی‌های سبکی متون، باید از راه شناخت زبان حوزه‌های مختلف جغرافیائی پیش رفت... هم خوانی‌های واژگانی و ساختاری و آوایی این ترجمه ماوراءالنهری با شماری دیگر از ترجمه‌های همین حوزه، به ما می‌آموزد که برای رسیدن به سبک‌شناسی متون فارسی، می‌توان از راه گونه‌شناسی شناخت زبان کاربردی در هر حوزه و دوره، پیش رفت. (ص ۳۱۲)

آنچه مصحح، به عنوان «کاری تازه» درباره «سبک‌شناسی» یا «گونه‌شناسی» متون فارسی و طبعاً ترجمه‌های قرآنی منطقه ماوراءالنهر و مناطق دیگر، در نتیجه «سالهای سال» کوشش

(۱) این شماره، در فرهنگنامه قرآنی (ج ۱، صفحه پنجاه و چهار)، اشتباهاً ۱۰۹۸ ثبت شده است.

عرضه داشته مشتمل است بر آوردن شماری از کلمات و ترکیبات این ترجمه و گذاشتن آنها در کنار کلمات و ترکیبات چند ترجمه قرآنی دیگر برای اثبات ماوراءالنهری بودن این اثر همچنین نقل عباراتی از چند متن قرآنی مترجم دیگر در تأیید این دعوی که به مناطق دیگری تعلق دارند.

بررسی ویژگی‌های زبانی متن تحقیق در ویژگی‌های آوایی، واجی، صرفی، نحوی، واژگانی و معنایی آن را در بر می‌گیرد که مصحح از آن میان، تنها به مقایسه ساده واژه‌هایی از این ترجمه با متناظر آنها در متن‌های دیگر پرداخته است.

مصحح، در پی دعوی خود درباره «گونه‌شناسی»، که بارها در هر نوشته و هر مجلس و هر مقام آن را گوشزد ساخته، افزوده است:

این پژوهش می‌تواند روند تازه‌ای را برای آگاهی از حوزه‌های جغرافیایی و زبانی شمار بسیاری از دست‌نوشته‌های فارسی و مؤلفان گمنام و ناشناخته آن به ما نشان دهد تا ما از راه پژوهش و بررسی در زبان هر متن بتوانیم به حوزه و دوره مؤلف یا نویسنده و گاه رونویسگران هر متن دست‌رسی پیدا کنیم. این شیوه پژوهش در متن‌های فارسی تاکنون پیشینه‌ای نداشته است و برای نخستین بار است که از این راه و روش می‌توانیم به روزگار و حوزه تألیف هر دست‌نوشته، که اثرپذیری گویشی و گونه‌ای دارد برسیم. (همان‌جا)

معلوم نیست که مصحح، به جز آوردن شواهد متعدد و فهرست‌های بعضاً زاید و ناقص و تصحیح ناموفق، چه پژوهشی درباره ویژگی‌های این ترجمه انجام داده تا بتواند «روند تازه‌ای را... به ما نشان دهد». طرفه آنکه، در عین این ادعا که «می‌توانیم به روزگار و حوزه تألیف هر دست‌نوشته... برسیم»، با آنکه زبان این اثر، به تعبیر ایشان، «گونه‌ای» محلی یا منطقه‌ای است، هیچ اطلاعی از تاریخ نگارش و تعلق منطقه‌ای زبان آن به دست نداده است.

اشکالات متن به تفکیک سوره‌ها

سوره بقره (۲)

۱۴ و چون تنها مانند تا دیوان‌شان گویند... (ص ۶)* تا دیوان‌شان در ترجمه *إلی شیاطینهم*،

* رقم آغازی شماره آیه و عبارت پس از آن ترجمه پاره‌ای از آیه است که، در آن، اشکالی به نظر رسیده است. مورد اشکال با حروف سیاه متمایز شده است.

به جای با دیوان‌شان.

۳۸ پس هرکه پس‌روی کند راه راست مرا پس هیچ ترسی بریشان (ص ۸۰) پس هیچ ترسی

بریشان در ترجمهٔ فَلَاحَوْفٌ عَلَیْهِمْ، به جای پس نه هیچ ترسی بریشان.

۴۹ و چون رهانیدیمشان* از کسان فرعون (ص ۸)

* ظ: رهانیدیمتان

در این ترجمه، در بسیاری از موارد، به جای -تان (ضمیر متصل، دوم شخص جمع)، -شان (ضمیر متصل، سوم شخص جمع) و بالعکس، به جای -شان، -تان به کار رفته که نمی‌توان آنها را خطای کاتب یا مترجم دانست. ذیلاً به برخی از این موارد که مصحح آنها را ضبط نادرست پنداشته اشاره می‌شود:

-شان به جای -تان: می‌آموزاندشان = می‌آموزاندتان (بقره: ۱۵۱)؛ روزی دادیمشان = روزی دادیمتان (بقره: ۱۷۲)؛ در آریمشان = در آریمتان (نساء: ۳۱)؛ می‌دهیمشان = می‌دهیمتان (انعام: ۱۵۱)؛ دادیمشان = دادیمتان (اعراف: ۱۷۱)؛ بر نشاندیمشان = بر نشاندیمتان (معارج: ۱۱).

-تان به جای -شان: برنگیزاندتان = برنگیزاندشان (انعام: ۶۰)؛ حاضر نکردم‌تان = حاضر نکردم‌شان (کهف: ۵۱)؛ فروگذاریمتان = فروگذاریمشان (اعراف: ۵۱)؛ نه آمدتان = نه آمدشان (طه: ۱۳۳).

۵۷ بخوریت از خورشها* آنچه روزی دادیمتان (ص ۸)

* ظ: خوشها

از آنجایی که خورشها در ترجمهٔ طَیِّبَات آمده است، مصحح ضبط صحیح را در حاشیه خوشها حدس زده، حال آنکه خورشها درست است. در فرهنگنامهٔ قرآنی (ج ۳، ص ۹۷۰-۹۷۱)، در چهار نسخه، معادل طَیِّبَات، خورشهای پاک، خورشها، و خوردنیهای پاکیزه آمده است.

۶۱ و بودند می از حد د {ر می‌گذشتند} (ص ۹)

صورت صحیح افزودگی‌ها قیاساً باید چنین باشد: و بودند می از حد د {ر گذشتند}؛ عبارت «می از حد در گذشتند» بارها، به همین صورت، در همین کتاب به کار رفته است.

۱۴۶ و هراینه گروهی ازیشان هراینه می‌پوشاند* راستی را (ص ۴۰)

* ظ: می‌پوشانند

کاربرد شناسه -ند به جای -د، حدود سی مورد در افعال دیگر این ترجمه، دیده می‌شود که مصحح همه آنها را ضبط نادرست پنداشته است. شواهد آن است: توبه کند = توبه کنند (نساء: ۱۶)؛ می‌کند = می‌کنند (نساء: ۱۷)؛ می‌فرماید = می‌فرمایند (نساء: ۳۷)؛ می‌شناسد = می‌شناسند (انعام: ۲۰)؛ خواند = خوانند (اعراف: ۴۶)؛ می‌خواهدت = می‌خواهندت (توبه: ۹۳)؛ نه کم داده شود = نه کم داده شوند (هود: ۱۵)؛ زندان کندش = زندان کنندش (یوسف: ۳۵)؛ می‌ترسد = می‌ترسند (رعد: ۱۳۰)؛ باشد = باشند (نحل: ۲۳)؛ گوید = گویند (نحل: ۱۰۱)؛ نتواند = نتوانند (اسراء: ۵۶)؛ ستم کند = ستم کنند (نور: ۵۰). (برای توضیح این پدیده و شواهد دیگر آن ← صادقی و حاجی سیدآقایی ۲، ص ۴۰-۴۱)

۱۵۲ و سپاس‌داری کنیت مرا و مه ناسپاس‌داری مکنیت مرا (ص ۱۶) و مه ناسپاس‌داری مکنیت مرا در ترجمه و لا تُکْفُرُون، به جای و مه ناسپاس‌داری کنیت مرا یا و ناسپاس‌داری مکنیت مرا.

۱۶۵ و اگر ندیدندی آنان که ستم کردند (ص ۱۷) و اگر ندیدندی در ترجمه و لَوِیْرِی، به جای و اگر بدیدندی.

۱۷۰ او [= آیا] اگر بودندی پدران ایشان چیزی را (ص ۱۷) او [= آیا] اگر بودندی در ترجمه أَوْ لَوْ كَانْ، به جای او و اگر بودندی.

۱۷۱ کرانند، کنگانند، کورانند (ص ۱۷) کنگانند به جای گنگانند (که در جاهای دیگر کتاب حرف گاف، به هر دو صورت ک و گ ضبط شده است).

۱۸۴ پس هر که به خوشدلی کند نیکی پس وی بهتر بود مر او را (ص ۱۸) به خوشدلی کند نیکی در ترجمه تَطَوَّعَ خَيْرًا آمده است و مصحح، در فهرست لغات فارسی-عربی (ص ۴۳۴)، به خوشدلی کردن را مدخل کرده که نارواست، چون به خوشدلی قید برای نیکی کردن است بنابراین، درست آن است که هر کدام جداگانه مدخل شوند.*

۱۸۵ پس هر که حاضر آید از شما ماه را پس روزه دارد اوی (ص ۱۸) پس روزه دارد اوی

* اصولاً تنظیم و درج فهرست لغات فارسی-عربی برای ترجمه‌های قرآنی، که رسم آقای دکتر رواقی شده، عمث و بی‌فایده و نامعقول است؛ چون هیچ مراجعی ندارد و نباید هم داشته باشد، از این رو که هیچ پژوهشگری به این مراجعه نیاز پیدا نمی‌کند. وارد کردن این نوع فهرست فقط و فقط بیهوده بر حجم کتاب و مصرف کاغذ و زحمت چاپ و بهای آن می‌افزاید و ارزش واقعی و اعتبار آن سخت می‌کاهد. - نامه فرهنگستان

- در ترجمه فُلْيَضُمُهُ، که خوانش درست پس روزه داردا وی [را] است. (را در این ترجمه در بسیاری از جاها نیامده است). «ا» در آخر فعل دارد الف تأکید و در روزه داردا نشانه فعل امر غایب است.
- ۱۸۹ می‌پرستند از ماههای نو بگوی: وی که ماههاست مر مردمان را (ص ۱۹) **ماهها**
 در ترجمه موافقت، به جای گاهها.
- ۲۱۶ شاید که ناپسند دارید چیزی را و وی بدتر بود مر شما را (ص ۲۱) در ترجمه عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ که، در آن، ترجمه پاره‌ای از آیه که با حروف سیاه متمایز شده افتاده و مصحح متذکر آن نشده است.
- ۲۱۷ و نه هماره کارزار کنند با شما (ص ۲۱) نه هماره در ترجمه لایزالون، به جای هماره، چنان‌که، در جای دیگر (هود: ۱۱۸)، لایزالون به هماره برگردانده شده است.
- ۲۲۲ پس چون پاک شوند پس بیابیت از آنجا که فرمودتان خدای (ص ۲۲) پس بیابیت در ترجمه فَأَتَوْهُنَّ، به جای پس بیابیت با ایشان. ترجمه هُنَّ در فَأَتَوْهُنَّ افتاده است. در پاره اول همین آیه، لَا تَقْرَبُوهُنَّ به مکنیت نزدیکی با ایشان برگردانده شده است.
- ۲۲۹ آنت اندازه‌های خدای است پس این گروه ایشان ستمکاران‌اند (ص ۲۲۹) در ترجمه تَلِكْ حُدُودِ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ، که، در آن، ترجمه پاره‌ای از آیه که با حروف سیاه متمایز شده افتاده و مصحح متذکر آن نشده است.
- ۲۳۳ نه بیسکفت فرمود شد هیچ تنی را مگر توانایی خود را (ص ۲۳) مصحح نه بیسکفت فرمود شد را، در فهرست شواهد (ص ۳۲۵) و فهرست لغات عربی-فارسی (ص ۶۶۱)، نه بیسکفت فرموده شود و، در فهرست لغات فارسی (ص ۴۴۶)، نه بیسکفت فرمود شود ضبط کرده است. حرف «ه» در فرمود شد، به احتمال، از قلم کاتب افتاده و ضبط درست باید فرموده شد باشد. در فهرست عربی-فارسی (ص ۶۶۱) نیز ضبط بیسکفت فرموده نشدی درست نیست و درست ضبط بیسکفت فرموده نشدی است.
- ۲۴۷ هراینه خدای برگزیدش بر شما افزون کردش فراخیی در دانش و تن (ص ۲۴) افزون کردش در ترجمه وَ زَادَهُ، به جای و افزون کردش.
- ۲۵۵ مگر با آنچه خواست گنجند و رسند* (ص ۲۵)
 * ظ: گنجید و رسید

شناسه فعلی -ند به جای -ید بیش از بیست مورد دیگر در این ترجمه، که مصحح همه آنها را ضبط نادرست پنداشته، آمده است از جمله: تباهی کنند = تباهی کنید (بقره: ۱۱)؛ میراث گیرند = میراث گیرید (نساء: ۱۹)؛ می ترسند = می ترسید (نساء: ۳۴)؛ می گفتند = می گفتید (مائده: ۲۲)؛ نه هش دارند = نه هش دارید (انعام: ۳۲)؛ روی گردانند = روی گردانید (اعراف: ۹۳)؛ عهد بستند = عهد بستید (توبه: ۹۸)؛ چشم دارند = چشم دارید (یوسف: ۱۲۲)؛ می گیرند = می گیرید (نحل: ۶۷). (برای توضیحات و شواهد بیشتر ← صادقی ۳، ص ۵۹-۶۰؛ صادقی و حاجی سیدآقایی ۲، ص ۲۹-۳۰)*

۲۶۰ پس بگری چهاری از مرغان پس بجوشان و پاره پاره کن شان سوی خود پس بجوشان و پاره پاره کن شان در ترجمه فَصُرْهُنَّ است. در اکثر تفاسیر و ترجمه‌های کهن قرآن معادل فَصُرْهُنَّ بجسبان (= بگردان، مایل کن)، پاره پاره کن، بکش آمده است. در فرهنگنامه قرآنی (ج ۳، ص ۹۳) و الدرر فی الترحمان (المتحمّد المروزی، ص ۱۷۸) بجنبان نیز دیده می شود. با توجه به این معادل، می توان حدس زد که بجوشان محرف بجونبان (گونه‌ای از جنبان) است. سبب اختلاف معنی فَصُرْهُنَّ در تفاسیر و ترجمه‌ها آن است که قرائت دیگر آن به کسر صاد (فَصِرْهُنَّ) به معنی «فَطَّعْهُنَّ» یعنی «قطعه قطعه کن آنها را» است و به همین علت فَصُرْهُنَّ به دو معنی «بجسبان، جنبان» و «پاره پاره کن، بکش» به کار رفته است. (← لسان العرب، ذیل ص و ر؛ میدی، ج ۱، ص ۷۱۴؛ سورآبادی، ج ۱، ص ۲۳۰)

۲۷۲ و نمی کنیت مگر از بهر جستن خشنودی خدای (ص ۲۷) و نمی کنیت در ترجمه وَ مَا تُنْفِقُونَ، به جای و هزینه نمی کنیت.

۲۷۹ اگر نکنیت پس آگاه کنیت به جنگی از خدای (ص ۲۸) اگر نکنیت در ترجمه فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا، به جای پس اگر نکنیت.

۲۸۲ و به ستوده * مآیبت که نیشست... خرد یا بزرگ (ص ۲۸) * ظ: به ستوه

* در زبان گیلکی نیز شناسه فعلی دوم شخص و سوم شخص جمع یکسان است: *suma bu-šo'idi* (شما رفتید)، *ušan bu-šo'idi* (آنان رفتند).- نامه فرهنگستان

که نبشتست در ترجمه *أَنْ تَكْتُبُوهُ*، به جای که نبیست. ترجمه درست این پاره از آیه، با کامل کردن افتادگی‌های آن، باید چنین باشد: و به ستوه مآیبت که نبیست او (یا آن یا وی) را خرد یا بزرگ.

سوره آل عمران (۳)

- ۱۸ نه هیچ پرستیدی مگر وی (ص ۳۱) در ترجمه *إِلَهُ*، به جای پرستیدنی (پرستیدن + یای بیان لیاقت). در همه جای این ترجمه *إِلَهُ* به پرستیدنی برگردانده شده است.
- ۹۰ باز افزون کردند ناگرویدگان را (ص ۳۵) ناگرویدگان در ترجمه *كُفْرًا*، به جای ناگرویدن.
- ۱۰۳ و چنگ در زینت به عهد خدای همه و مه جدا مشویت (ص ۳۶) مه جدا مشویت ترجمه *لَا تَقْرَءُوا*، به جای مه جدا شویت.
- ۱۰۳ و بودیت بر آبکنده‌ی از آتش (ص ۳۶) آبکنده‌ی در ترجمه *شَسْفًا حُفْرَةً*، احتمالاً به جای لب کنده‌ای یا لب آبکنده‌ای.
- ۱۰۶ پس هر تقدیر آنان که سیاه شود رویه‌اشان (ص ۳۶) هر تقدیر، به جای بر هر تقدیر آن چنان‌که در ترجمه آیه ۱۰۷ نیز آمده است.
- ۱۰۷ پس در بهشت خدای بوند ایشان در وی جاویدان بود* (ص ۳۶)
* ظ: بودند
- مصحح بود را به صیغه ماضی خوانده و حال آنکه به صیغه مضارع است. ایشان در وی جاویدان بود ترجمه *هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ* است که طبعاً به فعل ماضی برگردانده نمی‌شود، چنان‌که خالدون در سوره‌های دیگر کتاب به جاویدان بوند، جاویدان باشند و جاویدگان‌اند برگردانده شده است. ضبط درست نیز همان بود = *بُود* است. در هود: ۲۳ (ص ۱۱۶) نیز در ترجمه *خَالِدُونَ*، جاویدان بود آمده و مصحح باز، در حاشیه، اظهار نظر کرده: «ظ: جاویدان بودند». ضبط *بُود* به جای *بُوند* یا از مقوله حذف «ن» شناسه سوم شخص جمع قبل از «د» است (← صادقی و حاجی سیدآقایی ۱۳۹۰، ص ۴۰-۴۱) و یا از مقوله به کار رفتن فعل مفرد برای فاعل جمع (ایشان) است.
- ۱۲۴ او [= آیا] هرگز بسنده بود شما را که مدد دهندتان پروردگار شما (ص ۳۷) او هرگز بسنده بود

شما را در ترجمه **الَّنَّ يَكْفِيكُمْ**، به جای او هرگز نه بسنده بود شما را. در فرهنگنامه قرآنی (ج ۴، ص ۱۸۸۰) نیز هرگز بسنده نبود، نه بس باشد، نه بسنده باشد، نه بس کند، هرگز نه بسنده کند، هرگز بسنده نکند، نه باشد بسنده، بسندیده نبود فهرست شده است. ۱۶۲ او پس آنک پس روی کند خشنودی خدای را همچو آن است که بازگشت، بازگشت به ناخشنودی از خدای (ص ۴۰) تکرار بازگشت در ترجمه **بَاءَ ظَاهراً** توجیهی ندارد.

سوره النساء (۴)

۱۰ هرآینه **می‌خورند** در شکم‌هایشان، خورند در شکم‌هایشان آتشی (ص ۴۳) خورند در شکم‌هایشان آتشی ترجمه **يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ** ناراً است، بنابراین، **می‌خورند** در شکم‌هایشان ظاهراً از مکررنویسی‌های کاتب است.

۱۶ **پس بیاربت‌شان** پس اگر توبه کنند و نیکو کنند پس روی بگردانیت از ایشان (ص ۴۴) **پس بیاربت‌شان** در ترجمه **فَأَذُوهُمَا**، به جای **پس بیاربت‌شان** (= پس بیازاربت‌شان). بیازاربت‌شان).

۶۱ بیاییت به آنچه فرو فرستاده شد خدای و به پیغامبر (ص ۴۸) آنچه فرو فرستاده شد خدای در ترجمه **مَا أَنْزَلَ اللَّهُ**، به جای آنچه فرو فرستاد خدای.

۷۳ و اگر رسدتان افزونیی از خدای هرآینه * نبود میان شما و میان وی دوستی (ص ۴۹) * ظاهراً مترجم **كَأَنَّ** را **كَانَ** فرض کرده و آن را «بود» معنی کرده است.

حدس مصحح در حاشیه درست نیست. توضیح آنکه در ترجمه **لَيَقُولَنَّ كَأَنَّ**، معادل آن از قلم افتاده است. ضبط درست ترجمه باید چنین باشد: و اگر رسدتان افزونیی از خدای هرآینه گوید - گویی که نبود میان شما و میان وی دوستی - ای کاشکی ...

۸۱ و خدای می‌نویسد آنچه **می‌سگالید** * (ص ۵۰)

* ظ: می‌سگالند

همان ضبط **می‌سگالید** درست است. تحوّل شناسه **-ند به -ید**، یعنی حذف صامت «ن» در شناسه **-ند**، در همین ترجمه و تفاسیر دیگر شواهد متعدّد دارد. به چند نمونه در این کتاب، که مصحح همه آنها را خطا دانسته، اشاره می‌شود:

- نه ستم کردید = نه ستم کردند (بقره: ۵۷)؛ نمی‌بینید = نمی‌بینند (بقره: ۲۱۰)؛ توانسید = توانند (بقره: ۲۱۷)؛ باز گشتید = بازگشتند (آل عمران: ۱۷۴)؛ بلغزانیست = بلغزانند (نساء: ۱۱۳)؛ بگردانیدت = بگردانندت (مائده: ۴۹)؛ دانید = دانند (رعد: ۴۲)؛ پرستید = پرستند (نور: ۵۵).
(برای توضیح این نوع ابدال و شواهد دیگر آن ← صادقی و حاجی‌سیدآقایی ۲، ص ۳۷-۳۹)
- ۱۱۱ و هر که ورزد بزه‌ی پس هر که ورزدش بر تن خود (ص ۵۲) پس هر که در ترجمه فائما، به جای پس هر که. در فرهنگنامه قرآنی (ج ۱، ص ۲۹۲) نیز معادل فائما هر آنگاهی، همانگاه، آنگاه آمده است.
- ۱۴۱ او [= آیا] نه دست یافتیم بر شما و بازداشتیم شما را از ناگرویدگان؟ (ص ۵۵) ناگرویدگان در ترجمه الْمُؤْمِنِينَ، به جای گرویدگان.
- ۱۶۰ به ستم کردن از آنان که جهود شدند... (ص ۵۶) به ستم کردن در ترجمه فَيُظَلِّمُ، به جای پس به ستم کردن.
- ۱۶۱ و خوردنیی ایشان، خواسته‌های مردمان به بیهوده (ص ۵۶) خوردنیی ایشان در ترجمه أَكْلِهِمْ، ظاهراً به جای خوردن ایشان.
- ۱۶۶ جز آنک گواهی دهد به آنچه فرو فرستاد به تو (ص ۵۶) جز آنک گواهی دهد در ترجمه لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ، به جای جز آنک خدای گواهی دهد.
- ۱۷۴ ای مرد! مان! بدرس! تی آمدتان... تی از پروردگار شما (ص ۵۷) ... تی در ترجمه بُرْهَانَ که صورت کامل آن بی‌گمان حجتی است.

سورة المائدة (۵)

- ۱۳ و نه همیشه دیده‌ور شدی، دیده‌ور شدی بر ناراستی از ایشان مگر اندکی از ایشان (ص ۵۹) دیده‌ور شدی در ترجمه تَطَّلِعُ، که تکرار آن وجهی ندارد و ظاهراً از نوع مکرر نویسی‌های کاتب است.
- ۱۷ می‌آفرینند* آنچه می‌خواهد و خدای بر هر چیزی تواناست (ص ۵۹)
* ظ: می‌آفرینند

شناسه فعلی -ند، در چند جای دیگر این ترجمه، به جای شناسه -د آمده - و

مصحح همه آنها را، در حاشیه، ضبط نادرست احتمال داده است - از جمله پاداش دهند = پاداش دهد (بقره: ۴۸)؛ می خوانند = می خواند (بقره: ۱۵۱)؛ می دانند = می داند (نساء: ۶۳)؛ بر جای دارند = بر جای دارد (انفال: ۸)؛ ناچیز کنند = ناچیز کند (انفال: ۸)؛ می گیرند = می گیرد (توبه: ۹۸)؛ ترسند = ترسد (ابراهیم: ۱۴)؛ پیکار می کنند = پیکار می کند (نحل: ۱۱۱)؛ می گویند = می گوید (طه: ۷۹). (برای توضیح این پدیده و شواهد دیگر آن ← صادقی و حاجی سیدآقای ۲، ۱۸-۱۹)

۴۲ و اگر روی گردانی از ایشان پس هرگز گزند کنند چیزی (ص ۶۲) پس هرگز گزند کنند در ترجمه فلن یضرؤک، به جای پس هرگز گزند نکنندت یا پس هرگز نه گزند کنندت.

۴۳ و چگونه داد کنند ترا و نزد ایشان توریت است (ص ۶۲) داد کنند ترا در ترجمه یحکمؤنک، به جای داور کنند ترا. در فرهنگنامه قرآنی (ج ۴، ص ۱۷۰۳) همچنین در شش مورد، داور کنند و داور دارند آمده است.

۴۸ پس حکم کن میان ایشان... و نه پس روی کنند کامهای دل ایشان را (ص ۶۲) نه پس روی کنند در ترجمه لاتتبع (خطاب به رسول اکرم)، ظاهراً به جای نه پس روی کن است.

۱۰۸ ... یا بترسند سوگندهایی که رد کرده شود سوگندهایی پس سوگندهاشان (ص ۶۷) در ترجمه او یخافوا ان ترد ایمان بعد ایمانهم، که، در آن، سوگندهایی اول زاید است.

۱۰۹ هراینه... توی نیک دانا نهانها (ص ۶۷) هراینه... توی در ترجمه ائک انت، به جای هراینه تو توی... .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 سورة الأنعام (۶)

۵۰ پس نمی کنم مگر آنچه را که و* فرستاده شود به من (ص ۷۱)
 * ظاهراً «و» زاید است.

«و» زاید نیست بلکه صورت ناقص کلمه وحی است در ان اتبع الا ما یوحی. پس نمی کنم نیز، در ترجمه ان اتبع، باید پس روی نمی کنم باشد.

۷۳ و مر او راست پادشاهی در آن روزی که دمیده شد در آن شاخ یا پیکرها (ص ۷۲) ضبط

درست به جای شاخ یا پیکرها باید شاخ با (= به) پیکرها باشد. مصحح در صفحه ۴۶۸ نیز همان ضبط نادرست (شاخ یا پیکرها: الصّور) را نقل کرده است.

سورة الأعراف (۷)

۱۳ نمی‌بینی می‌سزد ترا که گردن‌کشی کنی در وی (ص ۸۰) می‌سزد ترا در ترجمه فمائیون لک، به جای نمی‌سزد ترا. در فرهنگنامه قرآنی (ج ۴، ص ۱۸۸۴) صورت‌های نه سزاوارست، نباشد و نشود، نرسد، نمی‌سزد آمده است.

۲۲ برمی‌بافتند بر خویشتن* از برگ درخت بهشت (ص ۸۰)

* م: خوشتن

مصحح در این آیه و در بقره: ۲۷۰، ضبط خوشتن را نپذیرفته؛ اما خوشتن تلفظی از خویشتن است که در متون دیگر از جمله منتخب رونق المجالس (ص ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۲۴، ۱۹۸، ۱۸۶، ۱۸۰، ۱۷۱، ۶۸، ۶۷، ۴۴، ۲۲، ۸) دیده می‌شود. (همچنین ← حاجی سیدآقایی، ص ۴۱)

۴۲ ایشان در وی جاوندگان باشند (ص ۸۲) جاوندگان، در ترجمه خالدون در توبه: ۱۷، به صورت جاوندان آمده که مصحح جاویدان را در متن آورده و جاوندان را به حاشیه برده است. ظاهراً کاتب نقطه «ی» را در جاویدگان و جاویدان نیاورده و مصحح ضبط را جاوندگان و جاوندان تصور کرده است.

۷۷ خوردنی خواست* اهل آن دیها را (ص ۱۵۵)

* ظ: خواستند

مصحح ضبط خوردنی خواست در ترجمه استطعمًا را خوردنی خواستند گمان کرده در حالی که خواست با حذف «ن» گونه‌ای از خواستند است و چند مورد دیگر در همین ترجمه، که مصحح آنها را نیز خطا پنداشته، دیده می‌شود از جمله: دروغ‌گوی داشت‌شان = دروغ‌گوی داشتندشان در ترجمه کذبوا (یس: ۱۴)؛ ناپسند داشت = ناپسند داشتند در ترجمه کرهوا (محمد: ۹ و ۲۸). (برای شواهد بیشتر در ترجمه‌های کهن دیگر ← صادقی و حاجی سیدآقایی ۲، ص ۳۹-۴۰)

۹۶ و اگر که هراینه کسهای شهرها گرویدندی و ترسیدندی* ... (ص ۸۶)

* م: ترسندندی

مصحح، در اینجا، ضبط ترسندندی را نپذیرفته؛ اما، در نحل: ۴۷، ضبط صورت مصدری آن، ترسندن، را پذیرفته و در متن آورده و در حاشیه افزوده است: ترسندن = ترسیدن.

۱۰۰ اگر خواهند* گیریشان به گناهان شان (ص ۸۶)

* ظ: خواهیم

ضبط خواهند به جای خواهیم، در ترجمه نشاء، درست است. در یس: ۷۶ نیز، در ترجمه نعلم، می‌دانند به جای می‌دانیم آمده است. کاربرد شناسه -ند به جای -یم در دیگر تفاسیر و ترجمه‌های کهن شواهد متعدّد دارد. (← صادقی و حاجی سیدآقایی ۲، ص ۲۲-۲۴)

۱۰۵ بدرستی آمد به شما با حجتی پیدا از پروردگار شما (ص ۱۰۵) آمد به شما در ترجمه جثکم، ظاهراً ضبط درست آمدم به شماست. جثکم در جاهای دیگر همین ترجمه (آل عمران: ۵۰؛ زخرف: ۶۳) به آمدم به شما برگردانده شده است.

۱۶۰ و سایه‌دار کردیم بریشان ابر را* (ص ۹۰)

* م: ابرارا

مصحح ضبط ابرارا در ترجمه الغمام را نپذیرفته و ضبط ابر را را قیاساً اختیار کرده است. ضبط ابرارا، با خوانش ابرا را (= ابرها را)، درست است. حذف صامت «ه» از نشانه جمع «ها» (بعد از صامت پایانی واژه پایه) در برخی از متون کهن دیگر، چنان‌که در زبان گفتار، آمده است (برای توضیح و شواهد بیشتر ← صادقی و حاجی سیدآقایی ۱، ص ۶۰-۶۱). مصحح در مجادله: ۱۳ نیز ضبط نماز را در ترجمه الصلوة را نپذیرفته و، به جای آن، ضبط نماز را را اختیار کرده است.

۱۷۶ اگر حمله کنی بر وی دهان بیرون کند یا بمانی او را به زبان بیرون کردن (ص ۹۱) دهان

بیرون کند در ترجمه یلثث. ضبط درست، به احتمال، زبان بیرون کند یا زبان از دهان بیرون کند باید باشد. در فرهنگنامه قرآنی (ج ۴، ص ۱۸۹۰-۱۸۹۱) برگردان یلثث، درسی مورد، زبان بیرون کند و صورت‌های دیگر و تنها، در یک مورد،

- دهان باز می‌کند است. بمانی او را به زبان بیرون کردن در ترجمه او تترکه یسهت. ضبط درست شاید بمانی او را زبان بیرون کند باشد.
- ۲۰۴ و چون خوانده شود نبی پس بشویت مر او را (ص ۹۲) بشویت در ترجمه فاستمعو، به جای بشویت.
- ۲۰۶ هراینه آنان که نزد پروردگار را توند - یعنی به قریب نه به مسافت (ص ۹۲) در ترجمه ان الذین عند ربك را زاید است. ضمناً عبارت آخر افزوده مترجم است و، به احتمال قوی، کاتب، به جای قربت، قریب نقل کرده است.

سورة الأنفال (۸)

- ۶۵ اگر باشد بر شما بیست شکیبایان غلبه کنند دویت را و اگر باشد از شما صد غلبه هزار را (ص ۹۷) بر شما در ترجمه منکم، ظاهراً به جای از شما؛ ضبط غلبه در ترجمه یغلیوا، به جای غلبه کنند.

سورة التوبة (۹)

- ۲۳ مگیریت پدران تان را و بردران تان، دوستان (ص ۹۹) بردران تان، اگر تلفظ خاصی از بردران تان نباشد، ظاهراً خطای کتابتی یا مطبعی است.
- ۳۵ آن روز [گرم] که کرده شود بر وی در آتش دوزخ (ص ۱۰۰) در ترجمه یحمی، به جای که گرم کرده شود.
- ۳۶ از آن چهار ماه... (ص ۱۰۰) در ترجمه منها اربعة حرم، که، در آن، ترجمه حرم از قلم افتاده است.
- ۴۷ اگر بیرون آمدندی در شما افزون کردندی تان (ص ۱۰۱) در ترجمه لو خزوا فیکم ما زادوکم، به جای نه افزون کردندی تان.
- ۵۱ هرگز رسد ما را مگر آنچه نبشت خدای ما را (ص ۱۰۲) هرگز رسد در ترجمه لن یصیبنا، به جای هرگز نرسد.
- ۶۹ همچو آنان که از پیش شما بودند سخت از شما به نیرو (ص ۱۰۳) سخت از شما به نیرو

- در ترجمه اشد منکم قوه، به جای سخت تر از شما به نیرو.
- ۷۴ و قصد کردند به آنچه نیافتند و ناپسند داشتند (ص ۱۰۴) ناپسند داشتند در ترجمه ما نقموا، به جای نه ناپسند داشتند یا ناپسند نداشتند.
- ۸۳ هراینه * بیرون آیت با من همیشه (ص ۱۰۴)
 * ظ: هرگز
- بیرون آیت در ترجمه کن تخروجا، به جای نه بیرون آیت یا بیرون نیابت.
- ۹۶ پس اگر شویت ازیشان (ص ۱۰۵) در ترجمه فان ترصوا عنهم، به جای پس اگر خوشنود شویت ازیشان.
- ۱۱۸ و بی‌گمان شدند مگر پناه‌گاهی از خدای مگر به وی (ص ۱۰۷) در ترجمه و ظنوا ان لا ملجأ من الله الا اليه، احتمالاً به جای و بی‌گمان شدند که نه پناه‌گاهی از خدای مگر به وی.
- سوره هود (۱۱)
- ۱۵ و ایشان در نه کم داده شود* (ص ۱۱۶)
 * ظ: نه کم داده شوند
- در ترجمه و هم فيها لا يبخسون، به جای و ایشان در وی (= دنیا) نه کم داده شود. ضمناً همان ضبط شود درست است. (← همین مقاله، بقره: ۱۴۶)
- ۱۷ او پس بود بر حجّتی پیدا از پروردگار خود (ص ۱۱۶) او پس بود در ترجمه اقمّن كان، به جای او (= آیا) پس آن که بود.
- ۲۷ گمان می‌بریم شما را دروغگویان (ص ۱۱۶) در ترجمه بل نظنکم كاذبين، به جای نه که (یا نه چه یا نه) گمان می‌بریم شما را دروغگویان..
- ترجمه حرف عطف بل در آیه نیامده است.
- ۳۷ و مه خوان ما را (ص ۱۱۷) در ترجمه لا تخاطبني، به جای و مه خوان مرا، مگر آنکه مترجم، به احترام مرجع ضمیر (خداوند)، ما آورده باشد.
- ۴۷ هراینه من می‌انداخسم* به تو (ص ۱۱۸)
 * م: انداخسم
- مصحح ضبط درست انداخسم (برگردان اعود) را در این آیه همچنین در آیه ۴۳

- از همین سوره نپذیرفته است. انداخسم گونه‌ای است از اندخسم چنان‌که در فرهنگنامه قرآنی (ج ۱، ص ۱۹۶) نیز بیند اخسانم آمده است.
- ۶۳ پس افزون می‌کنیت مرا جز بر زیان‌کاری نسبت کردن (ص ۱۱۹) در ترجمه فَمَا تَزِيدُونَنِي...، به جای پس نه افزون می‌کنیت مرا یا پس افزون نمی‌کنیت مرا.
- ۷۲ گفت: ای وای من، و بزایم من و من گند پیر (ص ۱۱۹) و بزایم در ترجمه أَلِدُّ، به جای او (= آیا) بزایم. نشانه استفهام در این ترجمه عموماً او و هیچ است.
- ۱۱۶ پس اگر بودندی از گروهان از پیش شما... (ص ۱۲۱) پس اگر بودندی در ترجمه فَلَوْلَا كَأَنَّ، به جای پس اگر نبودندی.

سوره یوسف (۱۲)

- ۷ بدرستی بود در یوسف و برادران وی نشانها مر پرستندگان را (ص ۱۲۲) مر پرستندگان را، در ترجمه لِّلْسَائِلِينَ، که اگر خطای کاتب به جای پرسندگان نباشد، می‌توان آن را گونه‌ای از پرسندگان شمرد. (← همین مقاله، شعراء: ۵)
- ۴۴ گفتند: آن خوابهای شهـ[وریده] (ص ۱۲۵) در ترجمه قَالُوا أَضْغَاثَ أَحْلَامٍ، به جای گفتند: آن خوابهای شهـ[وریده] است.
- ۵۰ پس پرسش چیست حال آن زنان آنی که* بریدند دستهایشان را (ص ۱۲۵)
 * ظ: آنانی که
- مصحح ضبط آن زنان آنی که را در ترجمه النَّسْوَةِ الَّتِي نپذیرفته، که اگر خطای کتابتی نباشد، می‌توان آن را مصداق تعلق دو نشانه جمع به یک پایه شمرد. (برای انواع جمع‌های مکثر و شواهد متعدد آنها ← صادقی و حاجی سیدآقایی ۱، ص ۶۹-۷۲)
- ۵۵ گردان ما را برگنجینه‌های زمین (ص ۱۲۷) گردان ما را در ترجمه أَجْعَلْنِي، باید گردان مرا باشد.
- ۸۰ هرگز زاستر نروم ازین زمین تا دستوری دهد مرا پدر من تا حکم کند خدای مرا (ص ۱۲۷) که تایی دوم در ترجمه أَوْ باید یا باشد.
- ۸۴ ای درینجا بر یوسف و سپید شد دو چشم... از اندوه؛ پس چشم وی خشم‌ناک بود

(ص ۱۲۷) صورت کامل دو چشم... در ترجمه عیناً، باید دو چشم وی باشد. همچنین، در عبارت پس چشم وی خشم‌ناک بود، در ترجمه **فَهُوَ كَظِيمٌ**، چشم زاید است. ای پروردگار من، بدرستی داد* مرا پشاهی (ص ۱۲۸) ۱۰۱

* ظ: دادی

داد به جای دادی می‌تواند از مقوله تخفیف ē- به e- در شناسه دوم شخص مفرد باشد که در ترجمه‌ها و تفاسیر دیگر شواهد متعدد دارد. (← صادقی و حاجی‌سیدآقایی ۲، ص ۹-۱۰)

سورة الزّعد (۱۳)

پاره‌های زمین پیوسته* به یکدیگرست (ص ۱۲۹) ۴

* م: پوسته

پوسته، که مصحح ضبط آن را نپذیرفته، باید گونه‌ای از پیوسته باشد که در برخی از متون نیز آمده است. (← بغدادی، ص ۴۱؛ طرطوسی، ج ۳، ص ۳۷۹)

۱۲ و بربالاید ابرهای گران را (ص ۱۲۹) بربالاید در ترجمه **يُنشِيءُ**، احتمالاً به جای بربالاند (متعدی بربالد با مصدر بربالیدن). بربالاید در هیچ یک از فهرست‌های کتاب ضبط نشده و مصحح شاهدهی برای آن نیاورده است. در متون کهن دیگر نیز، همه جا، بالانیدن، ببالانیدن، بربالانیدن آمده است. (← ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۳۱۶؛ زوزنی، ج ۲، ص ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۴۳، ۲۷۳؛ مقرئ بیهقی، ج ۲، ص ۵۳۸، ۶۲۶، ۹۰۷؛ تفلیسی، ص ۸۶، ۱۲۵؛ تفسیر مفردات قرآن، ص ۱۲۴؛ نصر بخاری، ص ۱۷۲؛ فرهنگنامه قرآنی، ج ۴، ۱۹۰۹)

سورة ابراهيم (۱۴)

۱۰ و {و باز پس داردتان تا زمانی} نام برده (ص ۱۳۲) یکی از دو «و» زاید است.

۱۷ و از پیش* وی شکنجه‌ی درشت است (ص ۱۳۳)

* ظ: پس

مصحح ضبط درست پیش را، در این آیه همچنین در مؤمنون: ۱۰۰، در ترجمه

وَرَاءَ (وَرَائِهِ و وَرَائِهِمْ) نپذیرفته است. در فرهنگنامه قرآنی (ج ۴، ص ۱۶۰۴) یکی از ترجمه‌های وراء در چند قرآن مترجم «پیش» آمده است.

سورة الحجّر (۱۵)

۶۳ گفتند: نه چی آورده‌ایت * به آنچه در وی به گمان رسند؟ (ص ۱۳۷)

* ظ: آوردیمت

در وی به گمان رسند؟ در ترجمه قالوا بل جئناک بما کانوا فیہ یمتروُن، به احتمال، باید در وی به گمان شدند باشد. ترجمه یمتروُن در آیه دیگر (مریم: ۳۴) نیز، به گمان می‌شونت است. در فرهنگنامه قرآنی (ج ۴، ص ۱۸۹۱) نیز، به گمان می‌رسند در ترجمه یمتروُن نیامده است. ضمناً آیه خبری است نه استفهامی.

۷۴ و بارانیدیم بریشان سنگلها از خشت پخته (ص ۱۳۷)

سنگلها در ترجمه حِجَارَةٌ، اگر خطای کاتب به جای سنگها نباشد، همان سنگ‌گل‌هاست با حذف یکی از دو صامت یکسان «گ». در این آیه، سنگلها در ترجمه حِجَارَةٌ و خشت پخته در ترجمه سِجِّیل آمده است، ولی در هود: ۸۲ سنگها معادل حِجَارَةٌ، و سنگ‌گل معادل سِجِّیل آمده است. سنگلها در هیچ‌یک از فهرست‌های کتاب نیامده و در حاشیه نیز اشاره‌ای به آن نشده است.

سورة النحل (۱۶)

۶۹ باز درآیبت در راههای خداوند خود فُرُوداران * (ص ۱۴۱)

* فُرُوداران = فروداران

فُرُوداران، در ترجمه ذُلُّلاً (ذُلُّل جمع ذُلُول). ضبط درست احتمالاً فرمان برداران است. حرکات در فُرُوداران باید از مصحح باشد. ذُلُول در آیات دیگر این کتاب (بقره: ۷۱؛ مَلِك: ۱۳) به رام کرده و فرمان بردار برگردانده شده است.

۱۰۷ به آنست که هرابنه ایشان برگزیدند زندگانی نزدیکتر (ص ۱۴۴) کلمه این در اول آیه،

در ترجمه ذُلُّک، از قلم افتاده و صورت صحیح این به آنست است.

۱۱۵ ناشایسته کرد بر شما... گوشت خوک را آنچه آواز برداشته شود از بهر جز خدای (ص ۱۴۴) به جای ... گوشت خوک را و آنچه...

سوره الإسراء (۱۷)

۵۳ و بگوی مر بندگان... را گو تا بگویند آن کلمه‌ی که وی نیکوترست (ص ۱۴۸) در ترجمه
وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا... به جای و بگوی مر بندگان مرا تا بگویند...

۱۰۸ و گویندگان* پاکا پروردگار ما (ص ۵۱)

* در متن گویندگان هم خوانده می‌شود.

ضبط گویندگان در ترجمه یقولون باید به جای ضبط درست گویند آمده باشد.

سوره الکهف (۱۸)

۶۴ پس بازگشتند بر پی‌های خویش* بر پی رفتنی (ص ۱۵۵)

* م: خوش

مصحح ضبط خوش را نپذیرفته؛ اما خوش (xēš) گونه‌ای است از خویش که در متون کهن دیگر شواهد متعدد دارد، از جمله خوشان (فهنگامه قرآنی، ج ۲، ص ۲۱۲)؛ خوشاوند (همان‌جا؛ نیز مولانا جلال‌الدین، کلیات شمس، ج ۵، ص ۱۲۵)؛ خوشاوندی (ناصر خسرو، خوان‌الخوان، ص ۷۲؛ ادیب نطنزی، ص ۱۱۶ پانویس).

۱۱۰ پس هر که می* امید دارد دیدار خداوند خود پس کندا کاری نیک (ص ۱۵۶)

* م: بومی

مصحح ضبط بومی امید دارد را نپذیرفته اما خوانش درست ظاهراً بو (= بود، متناظر کان در فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا) می‌امید دارد است. مترجم کان را، در ماضی استمراری کان یَرْجُوا، بو (= بود ← ص ۳۶۷) ترجمه کرده که در برخی از قرآن‌های مترجم دیگر نیز سابقه دارد.

سوره طه (۲۰)

۳۳ و یاد کنیم* ترا بسیار (ص ۱۶۱)

* ظ: یاد کنیم

مصحح ضبط یاد کنم را در ترجمه نَدُكْرَك نپذیرفته؛ اما تخفیف شناسه -یم به -م، در همین متن و ترجمه‌ها و تفاسیر دیگر، شواهد متعدّد دارد، از جمله بازبرهانم = بازبرهانیم (یونس: ۱۰۳)؛ راست گویم = راست گوئیم (نمل: ۴۹)؛ می‌گویم = می‌گوئیم (قصص: ۲۸)؛ تقصیر کردم = تقصیر کردیم (زمر: ۵۶)؛ گرویدم = گرویدیم (شوری: ۱۵). (برای شواهد متعدّد از متون دیگر ← صادقی و حاجی‌سیدآقایی ۲، ص ۲۰-۲۲)

سورة الْحَجِّ (۲۲)

۲۵ و هر که خواهد در وی چسبیدنی* به ستم چشانیم او را از شکنجه دردناک (ص ۱۷۲)

* م: جنبیدنی

مصحح ضبط جنبیدنی به ستم در ترجمه بِالْحَادِ بِظُلْمٍ را نپذیرفته است و ضبط درست را چسبیدنی به ستم حدس زده که هرچند، با توجه به صورت نوشتاری جنبیدنی، پذیرفتنی است اما این ضبط متن را مُصَحِّفِ خُنْبِيدِنِي نیز می‌توان پنداشت. خُنْبِيدِنِي به معنی «متمایل و منحرف شدن، گراییدن» در متون دیگر به کار رفته است: و آن‌کس‌ها که متابعت کنند شهوت‌ها که بخنبد خُنْبِيدِنِي بزرگ (ترجمه تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۹۴)؛ چون براذرت حکم خاکی گرفته از جانمی جنبد و به صلح تو نمی‌خنبد. (افلاکی، ج ۱، ص ۴۶۵)

سورة الْمُؤْمِنُونَ (۲۳)

۱۰۲ پس هر که گران شد* سنجیده‌های وی... (ص ۱۷۸)

* م: گهران شد

مصحح ضبط درست گهران شد در ترجمه تَقُلَّتْ را نپذیرفته و، به جای آن، گران شد را اختیار کرده است. گهران گونه‌ای است از گران. در نساء: ۱۱۹ نیز، ضبط فرمایمیشان (= فرماییشان) را نپذیرفته و، به جای آن، فرماییشان را اختیار کرده است. نظیر این گونه‌ها در متون کهن شواهد متعدّد دارد، از جمله در ترجمه قرآن موزه پارس (ص ۴۷۲-۴۷۳)، پهر به جای پُر؛ در قرآن قدس، بهود به جای بسود (← رواقی، ص ۷۴، ۴۱۳) چند بار به کار رفته‌اند. همچنین نظیر این گونه‌ها را در اهره = اره؛ پهبش =

پیش؛ تهل = تل؛ شهود = شود می‌یابیم (← حاجی سیدآقایی، ص ۲۸-۲۹). همچنین تهنک = تنگ؛ کفش = کفش؛ تهشت = تشت؛ پهل = پلاس در زبان شغنائی افغانستان.
 ۱۱۴ [نه] درنگ کردیم * مگر اندکی (ص ۱۷۹)
 * ظ: نه درنگ کردید

مصحح ضبط [نه] درنگ کردیم در ترجمه *إِنْ لَيْشُمْ* را پذیرفته و، به جای آن، نه درنگ کردید را اختیار کرده است. اما در سبأ: ۲۵ نیز، در ترجمه *تَعْمَلُونَ*، می‌کنیم آمده است و کاربرد شناسه *-یم* به جای *-ید* در ترجمه و تفاسیر کهن سابقه دارد. (برای توضیح و شواهد دیگر ← صادقی و حاجی سیدآقایی ۲، ص ۴۹-۵۰)

سورة الشعراء (۲۶)

۵ پس افکن * بر ما پاره‌ی از آسمان (ص ۱۹۲)

* م: افتکن

افتکن را، به جای افکن، نمی‌توان اشتباه دانست، زیرا آمدن صامت «ت»، که باید آن را از نوع صامت‌های غیر اشتقاقی بدانیم، در چند کلمه دیگر در این متن دیده می‌شود: نشیتندگان = نشینندگان (توبه: ۴۶)؛ پرستندگان = پرسندگان (یوسف: ۷)؛ کفت = کف (رعد: ۱۴)؛ قس لِحافت = لحاف در گویش هرات)؛ نزدیک‌کردگان = نزدیک‌کردگان (شعراء: ۴۲)؛ ایشان = ایشان (یس: ۳۹). مصحح کلمات مذکور را، که نشان‌دهنده یکی از ویژگی‌های گویشی و زبانی این ترجمه است، نادرست پنداشته و به حاشیه برده است.

سورة القصص (۲۸)

۹ وگفت زن فرعون آسیه * روشنایی چشم است مرا (ص ۱۹۷)

* م: آیسیه

مصحح صورت اصیل آیسیه را پذیرفته در حالی که آیسیه و ایسیه در تفاسیر و دیگر متون کهن آمده است: پس آیسیه فرمود دو طشت بیاوردند (ترجمه تفسیر طبری، ج ۵، ص ۱۲۸۸)؛ پس آیسیه فرعون را گفت... (همان، ص ۱۲۸۹)؛ ... اوّل آیسیه زن فرعون، موسی را...

دوست داشت (متخب رونق‌المجالس، ص ۱۱۳ پانوشت)؛ تابوت را بگرفتند و پیش آیسیه بردند... آیسیه گفت پیش من آرید (نیشابوری، ابواسحق، ص ۱۵۲ و ← ص ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳)؛ و خبر درست اندر نسبت آیسیه آن است که بگفتیم (بلعمی، ۲۶۶)؛ باز گفت او این سخن با آیسیه گفت جان افشان برین ای دل‌سیه (مولانا جلال‌الدین، کلیات شمس، ج ۲، ص ۴۳۲)؛ همچنین ← ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۱۱۷؛ نیشابوری، معین‌الدین محمد، ج ۱، ص ۶۳؛ زید طوسی، ص ۲۸۲-۲۸۳؛ شمس‌الدین محمد تبریزی، ص ۲۱۲.

ناگفته نماند که گونه ایمنه به جای آمنه نیز در برخی از متون آمده است: و چون عبدالله باز خانه رفت با ایمنه... بخفت (ترجمه تفسیر طبری، ج ۷، ص ۱۷۸۱)؛ ایمنه غافل از چنان دژی دهر نادیده آن چنان حزی (سنائی، ص ۱۹۷)؛ عبدالله به امانت به ایمنه سپرد (مولانا جلال‌الدین، مجالس سبعة، ص ۹۹)؛ عبدالله... به نزدیک ایمنه رفت و با او خلوت کرد. (نیشابوری، معین‌الدین محمد، ج ۱، ص ۱۲۷)

۵۰ پس اگر نه پاسخ کنم * ترا (ص ۲۰۰)

* ظ: پاسخ کنند

مصحح ضبط نه پاسخ کنم در ترجمه لم یَسْتَجِیْبُوا را نپذیرفته؛ اما نظیر آن را در نجم: ۴۴ می‌بینیم که، به جای بینند در ترجمه یَرَوُا، بینم آمده همچنین، در مریم: ۴۸، به جای می‌خوانم در ترجمه أَدْعُوا، می‌خوانند به کار رفته است. کاربرد شناسه -م به جای -ند در متون دیگر نیز سابقه دارد (← صادقی و حاجی‌سیدآقایی ۲، ص ۵۱). مصحح در حواشی کتاب این ضبط‌ها را نادرست پنداشته است.

سوره العنکبوت (۲۹)

۴۲ و آنت داستانه‌ای پدید می‌کند * آنها را مر مردمان را (ص ۲۰۵)

* ظ: پدید می‌کنیم

مصحح ضبط پدید می‌کند در ترجمه نَضْرِبُهَا را نپذیرفته؛ اما در محمد: ۳۱ نیز، در ترجمه نَعْلَمُ، داند و، در اسراء: ۹۷، در ترجمه نَحْشُرُهُمْ، گرد آردشان آمده که مصحح همچنان آنها را نپذیرفته است. کاربرد شناسه -د به جای -یم، در قرآن قدس

و ترجمه‌های قرآنی دیگر، شواهد متعدّد دارد. (← همان، ص ۴۹)

۶۹ و آنانک کارزار کردند در ما* هراینه نماییم... (ص ۲۰۶)

* م: دروی ما

مصحّح ضبط دروی ما در ترجمه فی‌نا را، بر اثر خوانش نادرست، نپذیرفته است. دروی ما، با حذف یکی از دو صامت همنشین «را»، گونه‌ای است از دروی ما که در متون دیگر و همین ترجمه شواهد متعدّد دارد. در پلی میان شعر هجایی و عروض فارسی... (ص ۸۸) نیز در روی به صورت دروی آمده است. (← صادقی ۱، ص ۳۵۵)

سورة الزّوم (۳۰)

۵۶ و گفتند آنان که داده شدند و گرویدند* (ص ۲۰۹)

* ظ: گرویدن

مصحّح ضبط گرویدند را که گونه‌ای است از گرویدن نپذیرفته، در حالی که در همین کتاب (هود: ۲۰)، به جای ضبط شنودن در ترجمه السَّمْع، شنودند و، در شوری: ۵۲، به جای گرویدن در ترجمه الإیمان، گرویدند و، در اسراء: ۹۹، به جای ناسپاسی کردن در ترجمه کُفُوراً، ناسپاسی کردند آمده است. (برای توضیح و شواهد بیشتر ← همو ۲، ص ۱۴۹-۲؛ حاجی سیدآقایی، ص ۳۴-۳۵)

سورة لقمان (۳۱)

۲۱ گویند*: نه چی پس روی کنیم آن را... (ص ۲۱۱)

* م: گویند

مصحّح ضبط درست گویند را نپذیرفته است؛ امّا آن گونه‌ای است از گویند که در احقاف: ۷ نیز به کار رفته و در متون کهن مشاهده می‌شود. (← حاجی سیدآقایی، ص ۳۳-۳۴)

۳۳ بترسیت از آن روز که نگزارد پدر وی* از فرزند خود و نه فرزند وی*، وی گزارنده بود از پدر خود

چیزی (ص ۲۱۱)

* ظ: پدری * ظ: فرزندی

مصحح ضبط‌های درست پدر وی در ترجمه والد و فرزند وی در ترجمه مؤلود را ظاهراً ترکیب اضافی دانسته و نپذیرفته است؛ حال آنکه -وی (vi-) در این دو، ظاهراً گونه‌ای است از نشانه نکره -ی، با خوانش پدروی و فرزندوی.

سوره الجاثیة (۴۵)

۲۴ نیست وی مگر زندگانی * نزدیکتر (ص ۲۵۵)

* م: زندگانی

ضبط زندگانی، با غنه شدن مصوت قبل از گروه صامت nd، به جای زندگانی درست است و، در ترجمه‌های قرآن و دیگر متون کهن، شواهد متعدّد دارد.

(← صادقی و حاجی‌سیدآقایی ۲، ص ۴۳)

سوره محمد (۴۷)

۱۹ آمرزش خواه از بهر... مردمان* گرونده و زنان گرونده (ص ۲۵۸)

* ظ: مردان

ضبط مردمان، در این آیه، در ترجمه المؤمنین و، در نمل: ۵۵، در ترجمه الرجال آمده و درست است. کاربرد مردم به جای مرد و بارها در مقابل زن در متون نظم و نثر کهن شاهد دارد: گمان نبرند مردمان [مصحح مردمان را، که در اصل نسخه آمده، به حاشیه برده و، قیاساً، مردان را، به جای آن، در متن آورده است.]. گرونده و زنان گرونده (تفسیر قرآن مجید، ج ۱، ص ۲۲۲)؛ و فرمانبرداران از مردنان (= مردمان) و فرمانبرداران از زنان (ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۱۶۳)؛ و مردمان را به زنان زیادت رغبت پدید آید (مسعودی بخاری، ص ۱۱۷)؛ رجال: مردمان (فهنگنامه قرآنی، ج ۲، ص ۷۸۱ سه مورد)؛ علی بود مردم که او خفت آن شب به جای نبی بر فراش و دثارش (ناصرخسرو، دیوان، ص ۳۳۷)؛ مردم همسایه هرگز چون برادرکی بود لنگِ خر را خیره با شب‌دیز چون همبرکنی. (همان، ص ۴۵۴)

سوره الفتح (۴۸)

۱۵ چون رویت سوی غنیمتها تا گیردش* : مانیت ما را (ص ۲۶۰)

* ظ: گیریدش

مصحح ضبط درست گیریدش (= گیریدش) را، چون ظاهراً گیوَدَش خوانده، نپذیرفته است حال آنکه نظیر این گونه در افعال دیگر این ترجمه، که مصحح همچنان آنها را نپذیرفته، دیده می‌شود؛ از جمله نمی‌پرستت = نمی‌پرستت (بقره: ۸۳)؛ بسامیزت = بسامیزت (بقره: ۲۲۰). (برای شواهد بیشتر ← صادقی و حاجی سیدآقایی، ۲، ص ۳۱-۳۲). ضمناً نشانه سجاوندی دو نقطه (:) زاید است.

سوره الطلاق (۶۵)

۶ آرامانیت‌شان از آنجا که باشیدیت* (ص ۲۸۴)

* م: باشیدیت

ضبط باشیدیت درست است. املاي - یید به جای - ید، که ظاهراً برای نشان دادن تلفظ «یا» ی مجهول بوده است، در ترجمه‌ها و تفاسیر و متون کهن شواهد متعدّد دارد. (← حاجی سیدآقایی، ص ۳۱-۳۲)

* * *

همان‌گونه که اشاره شد، مقاله حاضر نگاهی است گذرا به حدود نیمی از ترجمه سوره‌ها در ترجمه‌ای فارسی از قرآن مجید. نگارنده، از آنجایی که به نسخه خطی این ترجمه دسترسی نداشته، نتوانسته به بررسی دقیق چاپ رواقی بپردازد.

ناگفته نماند که اصولاً ترجمه‌های کهن تحت اللفظی و بین السطرین قرآن، بر اثر پایبندی مترجمان به برگردان لفظ به لفظ آیات، طبعاً در انتقال معانی آیات به زبان دارای ساخت نحوی بهنجار ناتوان‌اند و آنها را، به واقع، باید گونه‌ای فرهنگنامه قرآنی تلقی کرد. ارزش این ترجمه‌ها نیز، مانند فرهنگنامه‌های قرآنی کهن، بیشتر از نظر ویژگی‌های متنوع واژگانی و دستوری آنهاست.

درباره فهرست‌های کتاب باید گفت که پاره‌ای از آنها همچون فهرست فارسی-عربی، همچنان‌که پیش‌تر اشاره رفت، اصولاً هیچ مصرفی ندارد. مصحح فهرستی را از لغات و ترکیبات کتاب با برابری قرآنی آنها و مجدداً عباراتی را که این لغات و ترکیبات در آنها به کار رفته، و دوباره فهرست دیگری را از لغات قرآنی با معادل‌های فارسی آن آورده است. این فهرست‌ها بدین نحو، در عین زاید بودن، ناقص نیز هست. ضمناً بسیاری از کلمات و ترکیبات فارسی و عربی قرآنی در فهرست‌ها نیامده، مثلاً برای حروف «غ» و «ف» هیچ واژه قرآنی ذکر نشده است. در خاتمه، برخی از غلط‌های مطبعی کتاب ذیلاً فهرست می‌شود.

نشانی	نادرست	درست
بقره: ۱۹ و ۱۳۳	ی ا	یا
آل عمران: ۱۵۴	از	باز
نساء: ۸۸	علامت سؤال باید بعد از «آن را که گمراه کرد خدای» بیاید.	
نساء: ۱۳۸	مده دهد	مژده دهد
نساء: ۱۴۷	ه کند	هزینه کند
نساء: ۱۵۴	سر بر زمین- نهنگان	خط تیره زاید است
انعام: ۹۵	راینه	هراینه
توبه: ۲۳	برادران تان	برادران تان
یونس: ۳۰	می بریان قند	می بریافند
اعراف: ۱۷	از	باز
توبه: ۳	جز	جز
صفحه ۱۲۸	شمار آیه‌های سوره یوسف، به جای ۱۱۱ آیه، ۱۱۰ آیه شده است.	
صفحه ۲۲۶	حواشی این صفحه تکرار حاشیه صفحه قبل است.	
صفحه ۲۹۶	«زمانه»، در حاشیه این صفحه، تکرار حاشیه صفحه قبل است.	
صفحه ۴۲۶	غلفت	غفلت
صفحه ۶۵۱	بیشه	لبیشه

صفحه ۶۵۷	قیریده شدند	یده شدند
صفحه ۶۵۸	برانگیزانیده	برانگیزانیده
صفحه ۶۶۲	میراندیش	میراندش
صفحه ۶۶۴	چوب‌روده‌هاشان	چرب‌روده‌هاشان
صفحه ۶۶۶	قامی	می
صفحه ۶۷۲	شمکوفه‌ی وی	شکلوفه‌ی وی
صفحه ۶۸۷	نه بیسکفت فرمودن	نه بیسکفت فرماییم

منابع

- ادیب نظزی، دستور اللغه (کتاب الخلاص)، تصحیح سید اردلان جوان، به نشر، تهران ۱۳۸۴.
- اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن محمد، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، به تصحیح نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، علمی و فرهنگی (با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب)، تهران ۱۳۷۴-۱۳۷۵.
- افلاکی، شمس‌الدین احمد، مناقب العارفين، به تصحیح تحسین یازجی، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۲.
- بخاری، ابونصر احمد بن محمد، تاج القصص، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۶.
- بغدادی، بهاء‌الدین محمد، التوسل الی التوسل، تصحیح احمد بهمنیار، اساطیر، تهران ۱۳۸۵.
- بلغمی، تاریخنامه طبری، به تصحیح محمد روشن، سروش، تهران ۱۳۷۴.
- ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح حبیب یغمائی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۳۹-۱۳۴۴.
- ترجمه قرآن موزه پارس، به تصحیح علی رواقی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۵.
- تفسیر قرآن مجید (= تفسیر کمبریج)، به اهتمام جلال متینی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۹.
- تفسیر مفردات قرآن، به تصحیح عزیزالله جوینی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۹.
- تفلیسی، ابوالفضل حبیب بن ابراهیم بن محمد، قانون ادب، به اهتمام غلامرضا طاهر، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۰.
- جرجانی، سید شریف، ترجمان القرآن، به تصحیح سید محمد دبیرسیاقی، بنیاد قرآن، تهران ۱۳۶۰.
- حاجی سیدآقای، اکرم‌السادات، «لزوم بازنگری در تصحیح قصص الانبیای نیشابوری»، آینه میراث، ضمیمه ش ۲۱، سال ۸ (۱۳۸۹).
- رواقی، علی، ذیل فرهنگ‌های فارسی، با همکاری مریم میرشمسی، هرمس، تهران ۱۳۸۱.
- زوزنی، ابو عبدالله حسین بن احمد، کتاب المصادر، به تصحیح تقی بی‌ش، باستان، مشهد ۱۳۴۵.
- زید طوسی، احمد بن محمد، تفسیر سورة یوسف، به تصحیح محمد روشن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۶.

- سنائی غزنوی، ابوالمجد مجلدود بن آدم، حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه، به تصحیح مدرّس رضوی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۹.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق نیشابوری، تفسیر سورآبادی، تصحیح سعیدی سیرجانی، فرهنگ نشر نو، تهران ۱۳۸۱.
- شمس‌الدین محمد تبریزی، مقالات شمس تبریزی، به تصحیح محمدعلی موحد، خوارزمی، تهران ۱۳۶۹.
- صادقی، علی‌اشرف (۱)، «بحثی در باب کتاب پُلّی میان شعر هجایی و عروضی فارسی در دو قرن اول هجری، از احمدعلی رجائی»، خود بر سر جان، به کوشش محمدجعفر یاحقی و محمدرضا راشد محصل، سخن، تهران ۱۳۹۱، ص ۳۴۹-۳۸۸.
- (۲)، «بعضی تحولات ناشناخته کلمات عربی در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، سال ۱۱ (۱۳۷۳)، ش ۱، ص ۲-۱۱.
- (۳)، مسائل تاریخی زبان فارسی، سخن، تهران ۱۳۸۰.
- صادقی، علی‌اشرف و اکرم‌السنادات حاجی سیدآقای (۱)، «برخی نشانه‌های نادر جمع در زبان فارسی»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۶، اسفند ۱۳۸۹، ص ۵۴-۷۶.
- (۲)، «بعضی شکل‌های ناشناخته شناسه‌ها در فارسی قدیم»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۷، اسفند ۱۳۹۰، ص ۳-۵۷.
- طرطوسی، ابوظاهر، ابومسلم‌نامه، به تصحیح حسین اسماعیلی، معین، تهران ۱۳۸۰.
- غزنوی، ابوالمعالی احمد بن محمد، تراجم الأعاجم، به تصحیح مسعود قاسمی و محمود مدبری، اطلاعات، تهران ۱۳۸۹.
- فرهنگنامه قرآنی، تدوین گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (با نظارت محمدجعفر یاحقی)، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۷.
- لسان‌التزیل، به تصحیح مهدی محقق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۵.
- لسان‌العرب، ابن منظور، به اهتمام علی سیری، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م.
- متحد المرزوی، محمد بن منصور، الدرر فی الترجمان، تصحیح محمد سرور مولائی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۱.
- مسعودی بخاری، مجمع الاحکام، به تصحیح علی حضور، طهوری، تهران ۱۳۷۹.
- مقرئ بیهقی، ابوجعفر احمد بن علی بن محمد، تاج المصادر، ج ۲، به تصحیح هادی عالم‌زاده، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۷۵.
- منتخب رونق المجالس و بستان العارفین و تحفة المریدین، به تصحیح احمدعلی رجائی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۴.
- مولانا جلال‌الدین محمد، کلیات شمس یا دیوان کبیر مولوی، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۵.
- ، مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد. نیکلسون، به اهتمام نصرالله پورجوادی، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۳.

—، مجالس سبعه، به تصحیح توفیق ه. سبحانی، کیهان، تهران ۱۳۶۵.
میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الأسرار و عُدَّة الأبرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۷.

ناصر خسرو قبادیانی، خوان الاخوان، به تصحیح ع. قویم، بارانی، تهران ۱۳۳۸.
—، دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی، به تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیگیل، تهران ۱۳۵۷.

نصر بخاری، محمد بن محمد، المستخلص فی ترجمان القرآن (جواهر القرآن)، به تصحیح سید محمد علوی مقدم و رضا اشرفزاده، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران ۱۳۶۵.

نیشابوری، ابواسحق، قصص الانبیاء، به تصحیح حبیب یغمائی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۴۰.
نیشابوری، معین‌الدین محمد بن محمود، تفسیر بصائر یمینی، به تصحیح علی رواقی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۹.

یاحقی، محمد جعفر، «دُر مکنون: بررسی یک قرآن دستنویس مترجم (مورخ ۷۵۹ هجری) نسخه محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی»، مشکوة، ش ۱، پاییز ۱۳۶۱، ص ۱۴۷-۲۰۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* از این کتاب، چاپی نفیس با هزینه گراف منتشر شده که اصلاً وجهی ندارد چون نه از قماش است که به کارگرد آورندگان چاپ‌های نفیس آید و نه به صورتی که دست‌مایه پژوهشگران باشد. چنین متونی تنها درخور استفاده زبان‌شناسان و زبان‌پژوهانی است که آنان را چاپ عکسی در نسخه‌های بسیار محدود کفایت می‌کند. تازه این ترجمه به لحاظ زبانی نه نکته یا نکاتی تازه بلکه تنها شواهد دیگری برای پدیده‌های زبانی که پژوهشگران از جمله آقای دکتر رواقی درباره آنها گفته‌اند و نوشته‌اند به دست می‌دهد و ارزش آن ندارد که برایش این اندازه مایه و سرمایه گذاشته شود آنگاه حاصل، آن هم حاصل بیپوده متورم، در انبار و قفسه‌های کتابخانه‌ها بخوابد یا اهدا شود و در گنجینه‌های خصوصی خاک بخورد. - نامه فرهنگستان